

متن پرسش

سلام آقای طاهرزاده عزیز: دلنوشته ای با بغضی شکسته در گلو برایتان ارسال می‌کنم. جوانی ۲۸ ساله هستم. نزدیک ۱۰ سال هست که در فضای مسجد و جلسات قرآن و گروههای مطالعاتی شهید مطهری و جنابعالی (مانند شرح ده نکته و برهان صدیقین و حرکت جوهری و ...) هستم. و تحت تاثیر این فضاها و گروههای مطالعاتی در این ۱۰ سال سعی کردم زندگی خودم را رنگ و بوی دینی ببخشم. حداقلش این است که سعی کردم واجبات و محرمات رو انجام بدم. به عنوان مثال آنقدر در مسئله کنترل چشم در این ۱۰ سال مراقبت کردم که حتی زن برادر خودم را هم ندیدم. الان مرتکب گناهی شده‌ام که هیچ وقت فکر نمی‌کردم دچار این قضیه بشوم. نمی‌خوام گناهم را توجیه کنم ولی در سنی هستم که نیاز به ازدواج دارم و گزینه جنسی به شدت در من غلیان دارد. از طرفی شرایط ازدواج را ندارم. از نظر مالی هیچی ندارم. هیچی! لیسانس دارم ولی به ناچار کارگری می‌کنم. تازه به صورت مداوم هم نیست. خلاصه مسئله جنسی آنقدر بر من فشار آورد که نتوانستم کنترلش کنم. تا اینکه نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده که نزدیک یک سال است که به کرار مرتکب دیدن فیلمهای مستهجن شدم. هر بار هم که مرتکب شدم به شدت ناراحت شدم و افسرده شدم که چرا این کار را کردم و خودم را نابود کردم. یادآوری مطالب شما در کتابهای ده نکته و برهان صدیقین و حرکت جوهری آتش درونم را چند برابر می‌کند. چون می‌فهمم دارم چه بلایی سر نفس و صورتها و ملکات نفسانی خودم می‌آورم. ولی چه کنم که زور گزینه جنسی از دانسته‌هایم بیشتره. هر دفعه تصمیم گرفتم که دیگر سمت این کار نروم ولی به دو ماه نکشیده دوباره گزینه جنسی بر من فشار آورد و دوباره سمت این کار رفتم. اصلا باورم نمی‌شود که این من بودم که همچین کاری کردم. اصلا به من نیاید همچین کاری بکنم. استاد محترم احساس می‌کنم هر کاری در این ده سال کردم همه به باد رفت. هر چند خدا می‌داند هیچ وقت قائل به این نبودم که کاری کردم. ولی نسبت به چشمانم خوشحال بودم که خدا توفیق داده و چشمهایم را کنترل کردم. به والله قسم خجالت می‌کشم با خدا و اهل بیت صحبت بکنم. نماز که می‌خوانم از خجالت می‌خواهم آب بشوم. چندین مرتبه قول دادم به خدا و اهل بیت که دیگر نروم سمت این کار ولی دوباره و چند باره رفتم. و همین بدقولی خجالتم رو چندبرابر می‌کند. حالم خراب است. از خودم ناامید هستم. اصلا بعید نیست که یکی دو ماه دیگر دوباره این کار را تکرار کنم. شما را به حضرت زهراى مرضیه قسمت‌تان می‌دهم یه کاری برام بکنید. به خدا همین الان که این اسم مبارک رو به زبون آوردم خجالت کشیدم. همیشه در مجالس روضه، در مراسم احیا شب قدر، سر مزار شهدا و امامزاده ها یا در گوشه خانه با اشک و گریه و ضجه از این بزرگواران خواسته‌ام که کاری بکنند که دیگه

من نرم سمت این کار ولی چند روز بعد دوباره مرتکب این گناه می‌شوم. استاد گرانقدر! دستم به دامتنان. به قدری این مسئله برایم مهم هست و به قدری از خودم بدم می‌آید که حاضرم سینه خیز بیایم محضرتان و کف پایتان را ببوسم. کمک کنید از این لجن‌زار بیرون بیایم. شاید این بزرگانی (خدا و اهل بیت و شهدا و امامزاده‌ها) که بهشان توسل کرده‌ام جوابشان را در لسان شما گذاشته‌اند. الله اعلم شما یادم دادید از رحمت خدا مایوس نشم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به این فکر کنید که روایات ما متذکر این امر شده‌اند که بعضاً انسان مومن را به نوعی گرفتار نوعی گناه می‌کنند تا از عجب، آری! از عجب که بدتر از گناه است نجات دهند و بدین لحاظ از آن جهت که انسان مومن از گناهی که مرتکب شده متنفر است، می‌توان موضوع نجات از عجب را در آن گناه مدّ نظر داشت و جایی برای مایوس شدن از ادامه دینداری نمی‌ماند بخصوص که شیطان نیز در این جریان فعال است که به هر شکلی انسان مومن را گرفتار گناهی بکند و سپس القاء نماید که زحمات انسان بر باد رفته است در حالیکه هرگز چنین نیست و به هر حال خداوند با الطاف خود کاری می‌کند که گناه برای انسان شیرین نباشد و اینجا است که در احوالات عرفا داریم بعضاً در یک گناهی که مرتکب شده‌اند ۷۰ مرتبه توبه کرده‌اند زیرا متوجه نقشه‌های شیطان در آن گناهی که مرتکب شده‌اند بوده‌اند و از رحمت الهی مایوس نگشته‌اند. جا دارد که اولاً: سعی کنیم از صحنه‌هایی که شرایط انجام گناه فراهم می‌شود، پرهیز نماییم و ثانیاً: با روزه داری میل جنسی خود را در شرایطی که ازدواج فراهم نیست، قابل کنترل کنیم و از آن مهم‌تر اگر ذهن خود را مشغول امور الهی و بدن خود را مشغول فعالیت‌هایی مثل ورزش بنماییم، از آن مهلکه‌ها این شاء الله فاصله می‌گیریم. موفق باشید